



دراسة الصورة والمجالات التصويرية في شعر رشيد ياسمي: شاعر كردي معاصر

أ.م. د حسين سليمي

*أ.م. د ماجد مرهج رباط

جامعة خليج فارس - بوشهر

جامعة واسط - كلية الآداب

تاريخ الاستلام : 2021-12-07

تاريخ القبول : 2022-03-24

ملخص البحث:

الرسم التوضيحي والخيال من المبادئ الأساسية للشعر. وبهذه الطريقة يمكن اعتباره العامل الفاصل بين الشعر والنثر. بمعنى آخر ، الخيال هو أساس الشعر. إن إحداث تحول في الكلام غير الأدبي وتحويله إلى كلام تخيلي هو عملية تتشكل بمساعدة أدوات بلاغية مثل التشبيه والاستعارة وما إلى ذلك. الصورة ، التي تعكس الأفكار والعواطف والمشاعر والمعتقدات والقناعات والسمات الشخصية والصفات الداخلية للشاعر ، هي وسيلة لإيصال مواضيع مختلفة للقارئ. من سمات شعر الراشدي سمي ، بالإضافة إلى بساطته وعقليته ، وامتلاكه لمشاعر حساسة وخيالات عميقة ، رسومه التوضيحية ذات الظواهر البيئية والموضوعية. بطريقة يُظهر الشاعر تصورات الشعريّة وتصوراتهِ عن العالم للجمهور ، وبقوة الخيال ، يلتقط المفاهيم والشؤون العادية للحياة. تعتبر نظرتة الدقيقة والواعية للبيئة والظواهر المحيطة بها وعناصر الطبيعة المليئة بجمالها من السمات البارزة لشعر ياسمي ، وقد حاول المؤلف في هذا المقال تحليل الصور في قصائد رشيد ياسمي. كان رشيد ياسمي من أوائل الشعراء الذين تقبلوا الحاجة إلى الحدّثة في الشعر الفارسي وحاولوا إضفاء لون جديد على حديثه. يبدأ شعره في سياق نزعة تقليدية جديدة. تم عمل هذه المقالة بطريقة وصفية تحليلية وباستخدام أدوات المكتبة.

كلمات مفتاحية: إيضاح ، مجالات بصرية ، شعر معاصر ، رشيد ياسمي



Visual areas of Rashid Yasemi's poetry Contemporary Kurdish poet

Dr.Majid Merhej Rabat

*Assistant Professor Dr. Department of Persian Language

Assistant Professor Dr. Hussain Salimi Persian Gulf University, Iran

Receipt date: 2021-12-07

Date of acceptance: 2022-03-24

Abstract

The physical illustration and imagination are the main principles in poetry. Also can be considered the final factor between poetry and prose. On the other hand, imagination is the basis of Poetry. The change in non-literature speech and shift it to an imagery speech is a process with help rhetoric tools such as analogy and metaphor and others. The image that reflects thoughts, passions, feelings, believes, personal features and the internal characteristics of the poet are a certain mean to reach the different subjects to the reader. The features of Alrashid Yasmi in addition to his simplicity, rationality and having a sensitive feelings and deep imaginations are characterized with explanatory images and deep imaginations with objective and environmental phenomena. This method helps the poet to reveal his poetic images and his perception of the world to the public. Regarding the imagination strength, he catches the normal concepts and the affairs of life. Yasmi has an accurate sight and conscious to the environment and surrounded phenomena, which are considered the main characteristics of Yasmi. The researcher tried in this paper to analyze the images in Rashid Yasmi's poems. He was one of the earliest poets who accepts modernity in Persian poetry, and tried to add new color to his work. His poetry starts with new traditional trend. This paper was prepared in a descriptive and analytical method by using the library tools.

Key words: Explanations, Sights' fields, contemporary poetry, Rashi Yasmi



بررسی تصویر و حوزهای تصویری در شعر رشید یاسمی : شاعر کرد معاصر

چکیده

تصویرسازی و تخیل از بن‌مایه‌های بنیادین شعر به شمار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که می‌توان آن را عامل جداکننده شعر از نثر انگاشت. به سخن دیگر، تخیل، جان‌مایه شعر است. ایجاد تحول در کلام غیرادبی و تبدیل آن به سخن مخیل فرایندی است که با کمک ابزارهای بلاغی چون تشبیه، استعاره و... شکل می‌گیرد. تصویر که انعکاس اندیشه‌ها، عواطف، احساسات، باورها، اعتقادات، ویژگی‌های شخصیتی و درونیات شاعر است، دستمایه انتقال مضامین گوناگون به خواننده است. از ویژگی‌های شعر رشیدیاسمی، علاوه بر سادگی و روانی و برخورداری از احساسات ظریف و تخیلات عمیق، تصویرسازی‌های او با پدیده‌های محیطی و عینی است؛ به صورتی که شاعر، درک و دریافت‌های شاعرانه‌اش را از جهان به مخاطب نشان می‌دهد و با قدرت تخیل، در مفاهیم و امور عادی زندگی متصرف می‌کند. نگاه دقیق و موشکافانه او به محیط و پدیده‌های اطراف و عناصر طبیعت سرشار از زیبایی‌های خود، یکی از ویژگی‌های بارز شعر یاسمی به حساب می‌آید در این مقاله نگارنده کوشیده است به تحلیل و بررسی تصاویر موجود در اشعار رشید یاسمی بپردازد. رشید یاسمی از نخستین شاعرانی بود که لزوم تجدد در شعر فارسی را پذیرفت و کوشید که رنگ تازه‌ای به سخن خود بدهد. شعر او در چهارچوب گرایشی از نو سنت‌گرایی آغاز می‌شود. این مقاله با شیوه توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه انجام شده است.

کلیدواژه: تصویرسازی، حوزه‌های تصویری، شعر معاصر، رشید یاسمی

1. مقدمه

باینکه در هر دوره‌ای از تاریخ ادبیات یا در هر سبک ادبی، بسیاری از عناصر شعر دستخوش دگرگونی می‌شود، اما در یک نگاه فراگیر و کلی باید گفت ادبیات، در کل یک زنجیره بسیار بلند با حلقه‌های وابسته به هم است و اگرچه برخی از عناصر، تشخیصی چشمگیر پیدا می‌کند و سبکی نو را پدید می‌آورد، بسیاری از ریشه‌ها، سرچشمه‌ها و ذهنیت‌ها همچنان پایدار می‌ماند؛ مانند درختی کهن‌سال که ریشه‌هایش در ژرفای خاک نهان است، اما تنه‌ها و شاخه‌ها و برگ‌ها در هر فصلی از سال، حال و هنجاری دگرگون به خود می‌گیرد.

شعر فارسی، از آغاز تا امروز، چه از لحاظ قالب و چه از نظر محتوا، دستخوش تحولات و دگرگونی شده است. در این تحول هم اوضاع تاریخی و اجتماعی دوره‌های مختلف تأثیرگذار بوده است و هم افکار و اندیشه‌های شخصی خاص شاعران و سرایندگان. همین عوامل پدیدآورنده سبک‌های گوناگون شعر فارسی شده است.

رشید یاسمی شاعری است نوگرا که دیوان اشعار او شامل مجموعه منقعات، قصاید، غزلیات و قطعه‌های او به زبان پارسی است. یاسمی در حدود سال‌های 1273-1275 در بخش گهواره، مرکز این ایل کرد، چشم به جهان گشود. دوره‌های کودکی و نوجوانی‌اش را در منطقه یادشده گذراند. سپس، در حدود دهه 1290 برای ادامه تحصیل در مدرسه فرانسوی‌زبان سن‌لویی رهسپار پایتخت شد. پس‌از آن مدتی به تدریس و کار اداری و هم‌زمان، علاوه بر سرودن شعر، به تألیف و ترجمه مقاله و کتاب در زمینه‌های موردعلاقه خویش، ادب و تاریخ و فلسفه، پرداخت. او در آغاز نوشته‌ها، ترجمه‌ها و سروده‌هایش را **رشید کرمانشاهی** امضاء می‌کرد، اما بسیار زود به یاد نیای بزرگ خود، **ملک یاسم خان**، نام خانوادگی و ادبی خود را رشید یاسمی برگزید.

هم تکاپوهای ادبی و هم تکاپوهای شعری او حدود نیمه دهه 1290 با تشکیل انجمنی ادبی از جوانان تجدد خواه این دوره به نام «**جرگه دانشوری**» آغاز شد. به روایت خود او، «اعضای این انجمن، همه، جوانان بی تجربه‌ای بودند. ازین‌رو برای این‌که انجمن قوام و دوامی داشته باشد، به سرپرستی مردان مسن و باتجربه‌ای نیازمند بود. در این هنگام، ملک‌الشعراى بهار، که شاعر بنامی بود، در محفل ما وارد شد و طبیعتاً سمت سرپرستی و رهبری را به عهده گرفت. نام انجمن نیز به **دانشکده** تغییر یافت» (مقاله‌ها و رساله‌ها، ص 320). البته، بهار در دهه 1290 شاعر پر شهرتی بود. اما به خلاف آنچه



رشید یاسمی پنداشته، او در این دوره، در حدود سی‌سالگی‌اش به سر می‌برد. به احتمال زیاد، چون اغلب اعضا، مانند رشید یاسمی، حدود بیست سال بیش تر نداشتند، سن بهار را بیش تر از آنچه بود، می‌دیدند. به هر روی، مجله دانشکده (1297) سروده‌ها، ترجمه‌ها و مقاله‌های این گروه از شاعران و ادیبان جوان را منتشر می‌کرد.

شعر او در چهارچوب گرایشی از نوسنت‌گرایی آغاز می‌شود. به لحاظ محتوا، آنچه در این مجموعه، گاه، جلب نظر می‌کند، طبیعت‌گرایی رمانتیک است. راوی از «صدای لطمه امواج آرام - که به ساحل رسد از صبح تا شام» (یاسمی، 1364: 2) خوشنود است. از «آن ساعتی که طلعت ماه - بدرخشد ز حجله خانه کوه» (همان: 5) با لذت یاد می‌کند.

یاسمی در پردازش و ترسیم عواطف و اندیشه‌های خود و نیز با توجه به ویژگی‌ها و احوال درونی خویش و در راستای سبک خاصی که در پردازش اطلاعات ادبی خود به کار می‌برد، از ابزار مخیل ساختن کلام، برجسته‌سازی را در آثار خود با به‌کارگیری تصاویر گوناگون از عناصر طبیعت پیرامون زندگی خود آفریند و بی‌تردید «هر هنرمندی دانسته یا دانسته شگردهای هنجار گریزی را به کار می‌گیرد. یک شاعر بیان شگفت‌آور را از راه تشبیه‌های نامتعارف تجربه می‌کند. شاعری دیگر مجازهای پیش‌تر ناشناخته را به کار می‌گیرد.» (سالمیان و سلیمانی، 1394: 26).

2-1. پیشینه پژوهش

اگرچه در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در رابطه با رشید یاسمی و اشعار او انجام شده است؛ مانند مقاله‌های «تأثیرپذیری رشید یاسمی از چند شاعر فرانسوی» (1392) و «تعلیم و تربیت در آثار رشید یاسمی» (1391)؛ هر دو از مریم خلیلی جهان تیغ و فراست پیروزی نژاد و نیز علیرغم ظرفیت‌های ساختاری و محتوایی اشعار این شاعر کردتبار معاصر، با این همه کمیت پژوهش‌های انجام شده در مورد آثار و اندیشه و شخصیت او بسیار اندک است. به همین دلیل و از آنجاکه یاسمی در آفرینش شعرهای خود مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر تصاویر طبیعی محیط زندگی خویش بوده و آن‌ها را در شعر خود بازتاب داده است، در این مقاله کوشش شده است تا حوزه‌های طبیعی تصویر در شعر او مورد بررسی قرار گیرد. این مقاله نخستین پژوهش مستقل در این زمینه است که با روش توصیفی - تحلیلی صورت می‌گیرد.

2. هنجار گریزی معنایی



طبیعت و پدیده‌های پیرامون همان عناصری هستند که مخاطب عام در اثر عادت، بی‌تفاوت از کنارشان می‌گذرند اما هنگامی‌که در آثار شاعران خلاق با آن‌ها مواجه می‌شود چهره‌ دیگرشان را می‌بیند و به کمک آن‌ها با شاعر هم‌نوا می‌شود «به‌نحوی‌که گویی آنچه می‌بیند و می‌شنود همان احساسات درونی و دیرینه اوست که در درک و دریافتش با شاعرش یکی شده است. این عناصر طبیعی به مشابه رنگ‌های گوناگونی عمل می‌کند که از پاشیدن آن‌ها بر بوم نقاشی، تصویری هزار رنگ خلق می‌شود و شاعر تصویرساز در حقیقت، نقاش چیره‌دست این تصویرگری به‌حساب می‌آید. « (همتیان و غفوری، 1398: 54). چنین شاعرانی « با واژه حرف نمی‌زنند؛ بلکه نمایش می‌دهند، یعنی در کلام نقاشی می‌کنند.» (شمیسا، 1376: 354).

در قاموس ادبیات، هنجار را قانون‌ها و عادت‌های تثبیت شده و به تثبیت رسیده زبان دانسته‌اند و هنجار گریزی « انحراف از قواعد حاکم بر زبان هنجار». (صفوی، 1373: 47) تعریف شده است. در توضیح هنجار گریزی اصطلاحات دیگری چون برجسته‌سازی، برجسته‌سازی، آشنایی‌زدایی، قاعده گاهی، قاعده افزایی و .. به‌کاررفته است. زبان خودکار، حیانتش را از قواعد روزمره و رایجی کسب کرده و به‌مثابه ابزاری است که افراد در برقراری ارتباطات خود از آن بهره می‌گیرند. هرگاه شاعر یا نویسنده خلاق از محدوده قوانین و هنجارهای پذیرفته‌شده این زبان فراتر رود و طی فرآیندهایی آن را به زبان ادبی تبدیل کند وارد عرصه هنجار گریزی خواهد شد.» (همتیان و غفوری، 1398: 53) « زبان خودکار از قواعد یا هنجارهایی برخوردار است و تخطی از یکی از این قواعد یا هنجارها ما را به زبان ادب می‌رساند.» (صفوی، 1393: 77).

هرگاه انحراف از هنجارها وقواعد حاکم بر زبان معیار صورت پذیرد، هنجار گریزی پدید می‌آید؛ اما باید در پیش چشم‌داشت که نمی‌توان هرگونه انحراف از هنجارها را هنجار گریزی دانست زیرا برخی از این انحراف‌ها تنها ساختی غیردستوری ایجاد می‌کنند و ارزش ادبی ندارند.

یکی از حوزه‌های هنجار گریزی، حوزه معناست که به عقیده صاحب‌نظران بلاغت انعطاف‌پذیرترین سطح زبان به شمار می‌رود. در این حوزه با استفاده از دو شیوه هم‌نشینی و جان‌نشینی و با کمک شگردهای بیانی چون تشبیه، استعاره، تشخیص، حس‌آمیزی پارادوکس و نظایر آن می‌توان کلام را عادت زدایی کرد و با خالقیت ادبی به آفرینش سخن مخیل و تأثیرگذار



پرداخت. در هنجار گریزی معنایی، هم‌نشینی واژه‌ها بر اساس قواعد معنایی حاکم بر زبان هنجار نیست بلکه تابع قواعد خاص خود است.

3. تصویر و تصویرپردازی

خالقان آثار ادبی به‌واسطه ابزارهای بلاغی، میان آنچه به ذهنشان خطور می‌کند و مظاهر طبیعی و بیرونی، ارتباط برقرار می‌سازند و «از این طریق اندیشه‌ها و عواطف خویش را برای مخاطبان خود ملموس و مصور جلوه می‌دهند.» (همتیان و غفوری، 1398: 53). این پیوند ذهنی و درونی که در عالم واقع وجود نداشته و تخیل آزاد شاعر و نویسنده آن را به عرصه ظهور آورده است، در نتیجه کشف و شهود باطنی و دخل و تصرف در مظاهر خلقت ایجاد می‌شود و به انتقال احساسات، عواطف، تفکرات و تجربیات درونی گوینده به خواننده می‌شود. به این ترتیب عالم درون شاعر به دنیای بیرون نزدیک می‌شود و خواننده در نقطه تلاقی این دو عالم به واقعیات فکری و شخصیتی خالق اثر پی می‌برد و به برداشتی متفاوت دست می‌یابد. بنابراین تصویر را می‌توان «حلقه زدن دو چیز از دو دنیای متغایر به‌وسیله کلمات در یک نقطه معین دانست.» (طهماسبی و صارمی، 1393: 111).

هر شاعری می‌کوشد تا شعر خود را با تصاویر هنری چاشنی بخشد. «شعری که در آن تصویر نباشد شعر به حساب نمی‌آید» (یوسفی، 1361: 113)؛ اما گیرایی و جذابیت این تصاویر و موفقیت یا عدم موفقیت شاعر در ارائه تصاویر شعری او چیزی است که به میزان کاربرد عوامل تصویرساز در هر سروده‌ای برمی‌گردد. «همچنان که در یک تابلوی هنری، کاربرد هنرمندانه و ترکیب درست رنگ‌ها در کنار تکنیک‌های این هنر، به اهمیت اثر و ارزش آن می‌افزاید، کاربرد عناصر تصویرساز بر پایه سطوح بلاغی در شعر و میزان توانایی شاعر در استفاده درست و تأثیرگذار و اقتناعی از این عناصر در خلق تصاویر ادبی و هنرمندانه او و در نتیجه اثربخشی هرچه بیشتر شعر وی مؤثر است» (دلبری، مهری، 1394: 88)

تصویر که در ادبیات فارسی آن را به معادل را معادل ایماژ اروپائیان در نظر گرفته‌اند، در معنای تخصصی، نخستین بار توسط شفیع کدکنی با تعریف زیر در کتاب صور خیال در شعر فارسی مطرح شد. «تصرف ذهنی شاعر در مفهوم و ایشان انسان و کوشش ذهنی او برای برقراری نسبت میان انسان و طبیعت، چیزی است که آن را خیال یا تصویر می‌نامیم» (شفیع کدکنی، 1375: 17) و دیگران نیز به تناسب، تعاریفی از آن ارائه کرده‌اند که به تعدادی از آن‌ها اشاره



می‌شود: «تصویر، هرگونه کاربرد زبان مجازی است که شامل همه صناعات بلاغی از قبیل تشبیه، استعاره، مجاز، تمثیل، حس‌آمیزی، اسطوره و... می‌شود.» (فتوحی رودمعجنی، 1386: 45).

«مراد از تصویر چیزی است که اروپاییان به آن ایماژ و گذشتگان ما به آن تشبیه، استعاره و مجاز گفته‌اند.» (فرشید ورد، 1373: 205).

«ایماژ یا تصویر خیال در اصطلاح ادبی، اثری ذهنی یا شباهت قابل‌رؤیتی است که به‌وسیله کلمه، عبارت یا جمله نویسنده یا شاعر ساخته می‌شود تا تجربه حسی او به‌وسیله آن به ذهن خواننده یا شنونده منتقل شود.» (میر صادقی، 1376: 74).

«تصویرسازی در شعر، نوعی آفرینش هنری است که به‌وسیله آن، شاعر به کلمات و اشیاء رنگی از زندگی می‌بخشد و بار عاطفی بر دوش آن‌ها می‌نهد و به یاری این تصاویر دنیای تازه‌ای می‌آفریند.» (زرین‌کوب، 1367: 190).

«تصویر عبارت از نحوه خاص ظهور یک شیء در شعر انسانی است که منجر به ایجاد نقشی در ذهن خواننده یا شنونده می‌شود. در مباحث ادبی، خیال و تصویر در برابر ایماژ، به مجموعه تصرفات بیانی و مجازی‌ای اطلاق می‌شود که گوینده با کلمات، تصویر می‌کند و نقشی را در ذهن خواننده یا شنونده به وجود می‌آورد.» (داد، 1382: 139).

«تصویر، صورتی است از طبیعت که در آن آئینه ذهن منعکس می‌شود.» (زرین‌کوب، 1364: 158).

اگر از میان تعاریف شده برای تصویر، تعریف شفيعی کدکنی را مبنا قرار دهیم تصرف ذهنی شاعر در مفهوم طبیعت و انسان و کوشش ذهنی او برای برقراری نسبت میان انسان و طبیعت.» (شفيعی کدکنی، 1375: 17) و از دیگر سو عاطفه یا به تعبیری «افسون شاعرانه» (زنه و لک، 1375: 43) را اصلی‌ترین عنصر شعر بدانیم - چنان‌که هست - «هیچ مفهومی تا صبغه عاطفی به خود نگیرد نمی‌تواند وارد قلمرو شعر شود.» (شفيعی کدکنی، 1359: 17). «خیال و عاطفه شعری دو عامل مهم تصویرساز در عرصه کلام مخیل یا شعر هستند.» (دلبری، مهري، 1394: 89).

تصویرهای شعری بسته به عمق خیال و عاطفه شاعران، متفاوت با یکدیگرند. هرچه شاعری در اثر خود از خیال، عاطفه و اغراق‌های شاعرانه بیشتری بهره جوید، مسلماً تصاویر ارائه‌شده در سروده‌های شگفت‌انگیزتر و درنتیجه تأثیر آن بر خواننده عمیق‌تر و شعر وی موفق‌تر است؛ بنابراین، کمیت و کیفیت تخیل و بار عاطفی، دو مؤلفه مهمی است که هر تصویر



شعری، همواره برای جاودانگی به آن نیازمند است. از همین روست که به‌زعم بعضی منتقدان «به‌جز تخیل بشری، واقعیتی در ادبیات وجود ندارد» (فرای، 1363: 60) و از سویی دیگر، تخیل بدون بار عاطفی و احساسی، عنصری خشک و بی‌روح است و کار چندانی از پیش نخواهد برد.» (دلبری، مهری، 1394: 89).

هنگامی‌که به ماهیت تزئینی تصویرپردازی می‌پردازیم، لازم است حالتی را که بر اساس آن می‌توان یک تصویر را تزئینی یا آرایه‌ای نامید تعریف کنیم. **رزموند توو** اظهار می‌کند زمانی که شاعر یا منتقد بر این باور است که تصویر، صورتی از نقاشی است، یا شعر، خود مانند نقاشی است، گمراه‌کننده است که فرض کنیم او معتقد است تصویرپردازی زیور یا زینتی است «مانند رنگدانه‌ای که بر معناها زده می‌شود تا آن‌ها را بیاراید.» (اودیب، 1394: 50).

تصاویر شعری هر شاعر و نویسنده‌ای نمایانگر روحیه، عواطف، اندیشه‌ها و شخصیت روانی اوست. خاستگاه تصویری که با همراهی ابزار بلاغی در کلام جلوه‌گر می‌شود. قوه تخیل شاعر و نویسنده خلاق است. از رهگذر تصرفات خیال در زبان عادی صحنه‌هایی ملموس و عینی زاده می‌شود که حاصل آن تجسم یافتن ناگفته‌های درونی گوینده سخن است.

4. تصاویر شعری رشید یاسمی

از ویژگی‌های شعر رشیدیاسمی، علاوه بر سادگی و روانی و برخورداری از احساسات ظریف و تخیلات عمیق، تصویرسازی‌های او با پدیده‌های محیطی و عینی است؛ به صورتی که شاعر، درک و دریافت‌های شاعرانه‌اش را از جهان به مخاطب نشان می‌دهد و با قدرت تخیل، در مفاهیم و امور عادی زندگی متصرف می‌کند. نگاه دقیق و موشکافانه او به محیط و پدیده‌های اطراف و عناصر طبیعت سرشار از زیبایی‌های خود، یکی از ویژگی‌های بارز شعر یاسمی به حساب می‌آید به‌طوری‌که با مطالعه دیوان اشعار رشید، مخاطب، خود را در محیطی پر از آب و آبخار و سبزه و کوه و آسمان آبی و مناظر دلربای طبیعی احساس می‌کند که یادآور محیط محل زندگی شاعر است. «خلاقیت یاسمی در بهره‌گیری از عناصر طبیعت برای به تصویر کشیدن اندیشه‌ها و عواطف درونی خود، شعر او را به عرصه خودنمایی و جلوه‌گری پدیده‌هایی مبدل ساخته است که همچون موجوداتی جاندار و صاحب روح و احساس در ابراز درونیات شاعر به او مدد رسانده‌اند.» (همتیان و غفوری، 1398: 54).



یاسمی از نخستین گویندگان معاصر ایران است که لزوم تجدد ونوخواهی والتفات به مضامین بکر و تازه را در شعر احساس کرد و بدان جامه عمل پوشاند. شعر او خصوصیات یک شعر خوب را داراست؛ چون شعر رشید اخلاقی است و می‌تواند روشنگر و هدایتگر باشد.

شعر رشید، به خاطر آشنایی وی با ادبیات خارجی، از تجددخواهی اشعار دوران خودش دور نبوده و از این رو نوآوری‌هایی در مضمون و محتوا را با خود دارد. همچنین به علت تتبع شاعر در متون ادبی قدیم ایران، اشعار او رگه‌هایی از سبک شاعران قدیم پارسی را هم دارد. این دو عامل سبب نوسان سبک شعری رشید شده است.

در مقدمه ناشر درباره ادوار شعری رشید چنین نوشته‌شده: «در آغاز شاعری، رشید برای ایجاد روش تازه دست به آزمایش‌های مختلفی در صورت قالب سخن زد و به جهت وصول به این هدف اقدام به ترجمه‌هایی از اشعار شعرای خارجی نظیر *لافونتن*، *کرلیف* و *شارل لوکو* و... کرد و باوجود کوشش زیاد در این راه که بتواند افکار جدید را با زبان نو و تازه ارائه دهد چندان توفیقی نیافت و زبان شعری او در این دوره با زبان شاعران گذشته امتیازی نداشت و از طرفی چون مانند بعضی از شعرای معاصر خود درگیر مبارزات سیاسی نبود، دیوانش از این‌گونه اشعار خالی است، ولیکن از روح وطن که در شعر تمام شعرای این دوره که از ابتدای مشروطیت در ایران بالاگرفته تهی نیست و نیز «شوق وطن»، «ببیستون»، «آسمان‌پیما»، نمونه‌هایی بر این مدعاست. در اشعار بعدی رشید به سبک شعری خود که سبکی حدفاصل میان ادبیات گذشته و شعر امروز است، دست می‌یابد و در این راه باید او را هم شیوه و هم‌زبان سه شاعر دیگر عصر بیداری (بهار، ایرج، پروین) شمرد. اشعار او در این مقطع از نظر صورت و معنی دارای زیبایی مخصوص به خود است. رشید در دوره کمال سخنش، مثل هر شاعر واقعی کوشیده است زیبایی‌های تازه‌ای را بیابد و ببیند و بستاید و پیوسته سعی و تلاشش بر این بوده که از تکلفات و صنایع بدیعی بی‌مورد دوری کند؛ به عبارت دیگر شعر رشید تلفیقی از ذوق و اندیشه است و خواندن هر قطعه شعرش انسان را به تفکر وامی‌دارد. دردهای عادی و فردی در شعر او چنان تعمیم می‌یابد که بیانگر درد تمام انسان‌ها می‌گردد

محتوای اشعار رشید در قالب الفاظ اصیل و تراش‌خورده بیان‌شده و از کلمات مبتذل و عامیانه در شعرش استفاده نکرده است. رشید برای بیان افکار خود از کلیه قالب‌های معمول شعری استفاده کرده است؛ به‌خصوص نوعی که بیشتر جنبه



ابتکار داشته و خود آن را «منقطعات» نامیده است و آن نوعی ترکیب‌بند است که از امتیاز ویژه‌ای برخوردار است و شاعر در این اقدام توفیق زیادی به دست آورده است.

5. تصاویر شعری رشید یاسمی را به چندین گروه می‌توان طبقه‌بندی کرد؛

1. عناصری که با آسمان در ارتباط هستند. مثل مهتاب، آسمان، خورشید، صبح، شب، شهاب، هوا، چرخ، فلک، اختر، مجره، افلاک، قوس و قزح، چرخ بلند، گردون، ابر، کوکب، آفتاب، کیوان، برجیس، مریخ، ماه، مشتری، زحل، زهره، اورانوس و...

2. عناصری که با آب در ارتباط هستند؛ مانند موج، دریا، ساحل، آب، فواره، چشمه، بحر، آبشار و...

3. گروه حیوانات و پرندگان؛ مانند ماهی، طوطی، مار، طیور، مرغ، مور، مگس، طاووس، پروانه، خر، بلبل، خروس و...

4. عناصر مربوط به میوه‌ها؛ خرما، رطب و...

5. عناصر مربوط به گیاهان؛ اشجار، برگ، بید مجنون، چمن، شاخ، سبزه، گل، سرو، صنوبر، مشتم گل، گیاه، درخت، لاله، یاسمن و...

اکنون به بررسی تصاویر موجود در اشعار رشید یاسمی می‌پردازیم.

5-1. تصاویر مربوط به آب

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده بیشتر تصاویر موجود در اشعار رشید یاسمی عناصر مربوط به آب هستند که با به‌کارگیری این تصاویر، آب و عناصر مربوط به آن را به تصویر می‌کشد. حدود 80 درصد از تصاویر استخراج‌شده از اشعار یاسمی تصاویر مرتبط با آب و عناصر در ارتباط با آب هستند؛ مانند موج، دریا، ساحل، آب، چشمه، آبشار و... و از این‌ها گاهی برای توصیف معشوق نیز استفاده کرده و برای آشکار کردن زیبایی‌ها و توصیف طبیعت. مثال‌ها:

برو رقصیدن مهتاب دیدن

چه خوش باشد به روی آب دیدن



به بیداری چنان خاطر فریب
که شام وصل یاران خواب دیدن

(یاسمی، 1346: 2)

از منقطع‌ات رشید یاسمی است که در این رباعی آب را به تصویر می‌کشد. شاعر معتقد است که هر چیزی که با آب در ارتباط باشد خوش و دلپذیر است از جمله دیدن، رقصیدن مهتاب بر روی آب، بیداری و وصال یار. این شعر سرشار از امید است و می‌تواند در وصف معشوق و یا برای وصال به یار سروده باشد.

نسیم آید از او پرچین شود آب
بلرزد قوس مه چون گوی سیماب

دژم گردد چو روی مه جبینی
که ناگاهش برانگیزند از خواب

(همان)

در اینجا پرچین استعاره از موج است. موج از عناصر مربوط به آب است؛ اما در واقع در این شعر نسیم را به تصویر می‌کشد. نسیم یک پیغام‌رسان است که شاعر با این شعر می‌گوید که با آمدن نسیم در آب موج ایجاد می‌شود و به تلاطم می‌افتد. ظاهراً منظور از نسیم معشوق و منظور از آب خود شاعر است.

شتابان تیغ‌هی موج از پی هم
چو وقت جستجویی مار ارقم

خط ساحل تناور ازدهایی است
که این ماران درآرد جمله دردم

(همان)

در اینجا موج و ساحل را به تصویر می‌کشد. موج را به مار سفید تشبیه کرده است و ساحل را همچون ازدهایی خواب‌آلود می‌داند که تمام موج‌ها را آرام می‌کند یا ماران را در دم می‌خورد.



چو طفلی را در آغوش دایه

بجنبد بید را در آب سایه

که در گفتار شیرینان کنایه

بود آن سایه را آن لطف و آن حال

(یاسمی، 1346: 3)

در این بیت جنابندن سایه بید در آب را به تصویر می‌کشد و آن را به طفلی در آغوش دایه تشبیه کرده است و از نوع تشبیه حسی است. شیرینان هم استعاره از خوش‌سخنان است.

ز حیرت از جا جست خواهی

چو ناگه برجهد در آب ماهی

روان بگرفت و شد در آب راهی

گمانت عکس ماه از معجز باد

(همان)

در این شعر هم مشاهده می‌کنیم که شاعر جهیدن ماهی در آب را به تصویر می‌کشد و آن را به روان شدن ماه در آب تشبیه کرده است و این تشبیه هم از نوع تشبیه بلیغ است. بهجز تصویر آب، شاهد وجود تصویر ماهی که از عناصر حیوانات بود نیز هستیم.

دو دیده دوخته بر ماه پیوست

نبینی آن خروشان غوک سرمست

تو پنداری که افتد چیزی از دست

چو ناگه در آب افکند خود را

(همان)

در این شعر، شاعر پریدن غوک در آب را به تصویر می‌کشد و آن را به افتادن ناگهانی چیزی در آب تشبیه می‌کند و شاهد تصویرهایی چون غوک، آب و ماه هستیم.



به پایوست خمیده عکس کهسار

بسر اندر تو برده ریشه اشجار

نسیمت گرد دامن‌پاک کرده

سپهرت رنگ خود بخشیده هموار

(همان)

در این دو بیت باینکه شاعر عناصری ماند کهسار، اشجار، نسیم و آسمان را به تصویر می‌کشد اما مقصود کلی بیان او آب است و درواقع آب را در این بیت به تصویر می‌کشد. در مصرع اول آرایه تشخیص را مشاهده می‌کنیم و در مصرع سوم کنایه از صفت است. سپهر به معنی آسمان است.

خوشا برگی که بر سطح تو پوید

خوش آن ماهی که اعماق تو جوید

خنک سنگی که لب‌های تو بوسد

خنک بادی که گیسوی تو بوید

(همان)

در این بیت بازهم شاهد به تصویر کشیده شدن عنصر آب هستیم؛ اما شاهد تصویرهایی چون: برگ، باد، ماهی، سنگ هم هستیم. در مصرع سوم بوسیده شدن آب توسط سنگ یک به‌کارگیری از آرایه تشخیص است و همچنین می‌توان این را برداشت کرد که شاعر آن را به بوسیدن لب یار تشبیه کرده است. گیسو در مصرع چهارم استعاره از موج‌های آب است. پس در این ابیات مراعات نظیر، حس‌آمیزی و تشخیص دیده می‌شود.

جنگل تار و پرتو مهتاب

ظلمات است و چشمه حیوان

باد اگر چون خضر نجوید آب

از چه در ظلمت است سرگردان

(همان: 6)



تصاویر موجود در این شعر: چشمه‌ی حیوان، جنگل، خضر، آب، باد. در بیت دوم مانندگی و همچنین تلمیح وجود دارد. جنگل را توصیف می‌کند که باد در پی پیدا کردن آب است.

به راه دیدم چاهی فروشده در سنگ
به هم برآمده چون روی مردم دل‌تنگ

شتاب کردم و دروی نگاه کردم ژرف
چون بر صحیفه گردون منجمان فرنگ

ز قعر چاه یکی دایره پدید آمد
ز آب صاف چو آئینه زدوده زنگ

(همان: 7)

تصاویر: سنگ، چاه، صحیفه گردون، منجمان فرنگ، آئینه، آب.

در این ابیات شاعر به چاه اشاره دارد و آن را به آئینه زدوده تشبیه کرده است و زلالی آب چاه را به یک آینه بسیار صاف و زدوده شده تشبیه نموده است. آئینه زدوده شده در ادبیات فارسی بیشتر به‌منظور دل صاف یا برای پاکی دل به کار می‌رود.

شب گذشت به چشم اندرم نیامد خواب
که خواب ره نتواند بریدن اندر آب

فروچکید بر روی چرخ و بر رخ من
هزار لولو رخشنده از سرشک و شهاب

دقایقی که شتابان همی روند ز عمر
بره نوشتن گفתי نداشتن شتاب



چنان خموش هوا و زمين كه از راه دور ديبب مور به گوش آمدی و بانگ نباب

(همان: 8)

تصاویر: شب، چشم، خواب، آب، چرخ، لولو، شهاب، هوا، زمین، مور، نباب

چرخ: کنایه از آسمان، لولو: استعاره از قطرات باران _ نباب: مگس، زنبور.

آرایه‌ها: استعاره، کنایه، اغراق، روی چرخ اضافه استعاری.

در این شعر هم شاهد به تصویر کشیده شدن قطرات باران که مربوط به عناصر آب است هستیم. اشک‌های خود را به قطرات باران تشبیه کرده است.

فلک چو دریا اختر چو تیغه امواج از آفتاب بسر نهاده زرین تاج

بسان نطعی قیرین که دست زنگی شب برو فشانده بود صد هزار مهره عاج

مجزه همچو یکی قوس ناپدید سهام شهاب همچو یکی تیر ناپدید آماج

چو نیک دیدم گردون بدان شکوه و جلال چون من نژند ونوان بود و عجز و محتاج

(همان: 9)

تصاویر: فلک، دریا، اختر، موج، آفتاب، تاج، مهره، عاج، مجره، سهام، شهاب، تیر

این شعر درواقع توصیف آسمان است اما از عناصری چون دریا و موج را هم به‌کاربرده است. سهام: تیرانداز، مجره:

کهکشان



فلک را به دریا تشبیه کرده است و اختر را به امواج درون دریا تشبیه کرده است.

آن پل که از تراکم اشجار و چتر کوه بروی گذرد موکب خورشید ماه نیست

دامان کوه را بهجز آن بند، بند نیست آب و نسیم را بهجز آن راهراه نیست

تصاویر: پل، درختان، چتر، کوه، خورشید، ماه، آب.
(همان: 10)

توصیف پل است و از تصویر آب در شعرش استفاده کرده است و می‌گوید برای گذر آب راهی جز پل وجود ندارد.

زند آبشار از بر کوهسار چو آموزگاری به کودک نهیب

(همان: 20)

تصاویر: آبشار، کوهسار، آموزگار، کودک

در این بیت از آرایه تشبیه و تشخیص استفاده شده است. توصیف آبشار است. جاری شدن آبشار بر روی کوهسار را به آموزگاری تشبیه کرده که کودکی را میزند. از آنجاکه آبشار نمی‌تواند مانند آموزگار یا یک انسان و جاندار کسی را بزند در اینجا آرایه تشخیص وجود دارد.

«جام عشق»

مستی آرد شراب و افیون خراب آن برد عقل و این ریاید تاب

از شراب آتشی فتد در سر که کند عقل و دین و رای کباب



می چو دریا و هوش و رای حباب

می چو سیلاب و عقل و دین خاشاک

به رهش و دانش اولی الباب

هم ز افیون خیال چیره شود

سست بنیان تر از سرای خراب

قصرها سازد اوستاد خیال

راست ژون تشنه فرایب از سراب

جان شتابان شود بهر سوئی

پیش تأثیر چشم تو به حساب

در نیابند باده و افیون

سکر افیون و مستی می ناب

چشم مست تو کرده بی تأثیر

همچو در آب پرتو مهتاب

زرد و لرزان و واژگون ماند

لرزد از بیم غرق چو سیماب

دل چو آن عکس واژگون نگرد

که مگر جان برآرد از گرداب

ز آن بوسه همی جوید



از کف او بدر شود پایاب

لیک چون بوسه‌ای به دست آرد

(همان: 46)

تصاویر موجود در این شعر: شراب، افیون، آتش، عقل، دین، سیلاب، خاشاک، دریا، حباب، قصر، باده، آب، مهتاب، گرداب.

آرایه‌ها: بیت اول لفونشر مرتب/ بیت دوم کنایه از نابود کردن/ بیت سوم تشبیه مرکب / اوستاد خیال: اضافه استعاری / بیت ششم تشبیه و ماندگی/ بین پانزدهم مصرع دوم: گرد از جان برآوردن کنایه از نابود کردن.

این شعر در توصیف شراب و افیون است که در آن شاعر از تصاویر دیگری چون دریا و آب هم استفاده کرده است و حالات انسان را پس از استفاده از شراب و افیون به دریا و آب تشبیه کرده است.

«عمل و امل»

یکدم جدا نبود ز لعل لب‌ت لبم

خرم شبی که با تو بروز آمد آن شبم

نیشی بدل زدی چو یک نیش عقربم

در باغ هرچه مایه شادی و خرمی است

می‌ساختی نسیم ز جانی معانتم

می‌کردی آبشار ز سوئی ملامتم

منگر به روی سرخ و طراز مذهبم

گل گفت: من فزون ز تو دارم عذاب جان



برگ شکوفه گفت: که از تو نوان ترم

بر من مبین که باد بزان است مرکبم

و آن سیب گفت: سرخی من از نشاط نیست

خون دل است ریخته بر گوی غبغبم

نالنده باد گفت که من نیستم بسیط

از آه و اشک و ناله و زاری مرکبم

میگفت آبشار که این ناله‌های من

از محنت است گرچه خموش است مشربم

ماهی در آبگیر بنالید که این طواف من

از بهر آن کنم که نه پیداست مهرم

رنگین کمان چرخ بگفتا که پیش مهر

من چیستم؟ نشانه تیری موربم

گفتا چنار بسکه غم بر دو رخ زدم

شد پنجه همچو پای عروسان مخضبم

دیدم که هرکسی را رنج و محنتی است

تتها من پیام بلا را مخاطبم

(همان: 68)

تصاویر این شعر عبارت‌اند از: عقرب، آبشار، گل، برگ شکوفه، سیب، مرکب، ماهی، رنگین‌کمان، تیر، چنار، عروس.



در این شعر بیشتر از عناصر مربوط به گیاهان استفاده شده و مناظرهای بین آنها صورت گرفته اما از تصویر آبشار هم در این شعر استفاده شده است.

دوری از یار و معشوق را به تصویر می کشد.

لعل لب: اضافه تشبیهی/ در بیت دوم مصرع دوم تشبیه هست و عشق را به نیش عقرب تشبیه کرده/ از بیت سوم تا آخر تشخیص است/ بیت هفتم مرکب مجاز از سیاهی / در بیت دهم مهر استعاره از خورشید هست/ بیت نهم مصرع دوم تشبیه است و در کل بیت تشخیص وجود دارد.

عمر و آرزو

با عمر چو آرزو همی سنجم / این بر سر خاک و آن بر سر گردون است

عمر به حساب ناید از خردی / وانگه امل از حساب بیرون است

آن ذره و این چو کوه الوند است / آن قطره و این چو رود جیحون است

(همان: 120)

تصاویر به کار برده شده در شعر: عمر، آرزو، خاک، گردون، کوه الوند، قطره، رود جیحون.

در اینجا عمر و آرزو به قطره و رود جیحون تشبیه شده اند و از عناصر مربوط به حوزه آب هستند.

در مصرع اول چو به معنی وقتی به کار رفته پس قید زمان است./ گردون کنایه از روزگار است/ کل بیت لفونشر دارد.

در بیت سوم تشبیه مرکب وجود دارد زیرا دارای چند مشبه و مشبه به است و لفونشر نیز دارد.

5-2. تصاویر مرتبط با آسمان



در اشعار رشید یاسمی تصاویر آسمان و تصاویر مرتبط با آن همچون تصویر آب زیاد به کار رفته است و از این تصاویر نیز برای توصیف طبیعت، توصیف روز و شب، زیبایی‌ها، طلوع و غروب خورشید و همچنین توصیف معشوق بهره گرفته است. مثل مهتاب، ماه، خورشید، شهاب و ...

درخت و کوه و ابر و ماه و انجم در این آینه گه پیدا، گهی گم

تو گونی رنگ ریزان طبیعت جهانی را همی شویند در خم

(همان: 2)

در این شعر از تصاویری همچون ابر، ماه، انجم که مرتبط هستند با آسمان استفاده شده. این تصاویر در کل برای توصیف جهان هستی به کار گرفته شده‌اند. / در مصراع اول مراعات النظیر است/ در مصراع دوم آینه، استعاره از جهان هستی است/ در این ابیات روی هم رفته آرایه تشبیه به کار برده شده است.

نسیم! تو پیام آسمانی و یا پرورده این آبدانی

به تنهایی نباشی هیچ‌یک را که ترکیب ز روح این وانی

(همان: 3)

در این ابیات شاهد تصویر نسیم هستیم. نسیم نماد پیام‌رسانی است. شاعر در اینجا نسیم را به پیام آسمان تشبیه کرده است. / آبدان نیز استعاره از زمین است/ در این بیت آرایه لفونشر نیز وجود دارد. در اینجا شاهد تصاویر نسیم و آسمان هستیم.

به پابوست خمیده عکس کهسار بسر اندر تو برده ریشه اشجار



نسیمت گرد دامان پاک کرده

سپهرت رنگ خود بخشیده هموار

(همان)

در اینجا سپهر به معنی آسمان است. مفهوم کلی بیت همان طور که قبلاً توضیح دادیم به آب اشاره دارد اما تصویر آسمان را نیز در این شعر می بینیم که گفته شده آسمان نیز رنگ آب را به خود گرفته است.

خرم آن ساعتی که طلعت ماه

بدرخشد ز حجله خانه کوه

و آن پراکنده نور او ناآگاه

راه یابد به جنگل انبوه

(همان: 5)

تصاویر: ماه، خانه، کوه، نور، جنگل

ماه از تصاویر مربوط به آسمان است. ظاهراً شاعر صبح را توصیف می کند. هنگامی که خورشید همانند عروس زیبا از حجله کوه بیرون می آید و ماه جای خود را به خورشید می دهد.

طلعت ماه: اضافه تخصیصی/ خانه کوه در مصرع دوم: اضافه استعاری/ و تشبیه مضمر است.

فلک چو دریا، اختر چو تیغهی امواج

از آفتاب بسر نهاده زریب تاج

بسان نطعی قیرین که دست زنگی شب

برو فشانده بود صد هزار مهره عاج

مجره همچون یکی قوس ناپدید سهام

شهاب همچو یکی تیر ناپدید آماج



چو نیک دیدم گردون بدان شکوه و جلال
چون من نژند و نوان بود و عجز و محتاج

(همان: 9)

تصاویر: فلک، دریا، اختر، موج، آفتاب، تاج، مهره، عاج، مجره، سهام، شهاب، تیر قیر.

مفهوم کلی این ابیات توصیف آسمان است. تصاویری که مرتبط هستند با آسمان، مانند فلک، اختر، آفتاب، مجره به معنی کهکشان، عاج که استعاره از ستارگان است، شهاب.

همان‌طور که در قسمت تصاویر مرتبط با آب توضیح دادیم شاعر در این ابیات فلک را به دریا تشبیه کرده/ستارگان را به تیغی امواج/ آفتاب را به شخصی تشبیه کرده که بر سرش تاجی زرین نهاده/ و شب را این‌گونه توصیف کرده است که نطعی قیرین است با هزاران مهره عاج که منظور از مهره عاج همان ستارگان هستند/ کهکشان را هم به یک تیرانداز تشبیه کرده/ و شهاب را به یک تیر ناپدید.

بیت اول تشبیه از نوع ملفوف است./ دست شب اضافه استعاری/ زرین تاج صفت مقلوب.

خورشید ز ماهی بهسوی بره گراید
بر روی جهانی در دولت بگشاید

دستار سپید از سر کهسار ریاید
آثار شباب آرد و پیری بزداید

آن مرغ غزل‌خوان بسر شاخ برآید
بر تازه گلان تازه نواها بسراید

ازبهر شکفتن لب هر غنچه بخاید
گوئی که بدو راه شکفتن بنماید

(همان: 13)

تصاویر: خورشید، ماه، دستار، جهان، کهسار، مرغ غزل‌خوان، شاخ، لب، غنچه، گل.



شاعر در این ابیات طلوع خورشید را توصیف می‌کند. با آغاز صبح ماه جای خود را به خورشید می‌دهد و با آمدن خورشید شادابی و نشاط هم می‌آید. در دولت را به روی جهان می‌کشاید، دستار سپید که برف‌های روی کوه هستند با آمدن خورشید آب می‌شوند. خورشید با خود نشاط و جوانی را می‌آورد و با آمدن آن مرغ غزل‌خوان که منظور همان بلبل است بر سرشاخه‌های درختان می‌آید و برای گل‌ها و گیاهان آواز می‌خواند و راه شکفتن را به گل‌های غنچه نشان می‌دهد.

شاعر با به‌کارگیری این تصاویر زیبا صبح و طلوع آفتاب را توصیف می‌کند و آن را نشانه‌ای برای شادی و نشاط و شروع جوانی و امید می‌داند.

در دولت: اضافه استعاری/ دستار سپید: اضافه تشبیهی، برف همانند دستار سپید است/ مرغ غزل‌خوان کنایه از بلبل/ لب غنچه: اضافه استعاری/ شباب استعاره از صبح و شادی/ پیری استعاره از شب و اندوه و غم و ناراحتی.

تابشی کن که سخت گمراهم

ای چراغ، ستاره‌ام، ماهم

یوسف من! برآور از چاهم

یونس من! بکش ز غرقابم

جان عمرم تویی، ترا خواهم

هرکسی حفظ جان خود خواهد

در تو کاری نمی‌کند آهم

ز تو راهی نمی‌برد اشکم

گوید آخ که سخت کوتاهم!

عمر خود را به وصل امید دهم

(همان: 23)

تصاویر: چراغ، ماه، ستاره، یونس، یوسف، چاه



مصرع اول استعاره از يار /بيت دوم تلميح دارد/ کار نمی‌کند: اثر نمی‌کند.

در این ابیات شاعر با بهکارگیری تصاویری همچون ماه و ستاره، معشوق و یار خود را به آن‌ها تشبیه می‌کند و یار خود را در این شعر توصیف می‌کند.

«بیژن»

بر صفحه‌ی آسمان نیلی

ای ماه که همچو گوی زرین

امشب شده این چنین خرامان

در فاصله دو ابر فیلی

بی‌نور چو شمع صبحگاهان

نزدیک تو قوس و جدی و پروین

از شرم به ابر در نشینی

گر چهره بیژنم بینی

رخساره به رنگ لاله داری

ای ابر که از شعاع خاور

کای خفته بخواب، خوش بیاسای

زین رنگ و نگار مستعاری

ز آواز فرشته بر تو لالای



(همان: 35)

تصاویر: ماه، آسمان، ابر، قوس، جدی، پروین، شمع، صبح، بیژن، لاله، شعاع خاور.

بیت اول: تشبیه/ بیت اول و دوم مراعات نظیر/ کل شعر تلمیح به داستان بیژن دارد/ در مصرع نهم تشبیه وجود دارد.

ماه را به گوی زرین تشبیه کرده/ در کل توصیف ماه یا معشوق است.

«آفتاب»

آفتابا شادی عالم ز تست رشته جذب جهان محکم ز تست

ساحت این بیکران گلشن تر است عرصه این برشده طارم ز تست

از تو خیزد هر چه در گیتی است نور می‌توان گفتن ظلمت هم ز تست

مشتری را از تو رخت جشن و شور هم زحل را جامه ماتم ز تست

تیر از تو گشت بر گردون دبیر زهره را این خاطر خرم ز تست

باد را وصف مسیحا دم ز تست

تو بپوشی شام را اندر سمور صبح را این خلعت قاقم ز تست



سرو پیش تو کشد در باغ وصف

وان صنوبر چون یکی پرچم ز تست

آهوان را ناف مشک‌آگین ز تو

بلبلان را بانگ زیروبم ز تست

الغرض کوه ز تو و هامون ز تو

بحر از تو، خشکی ز تو، نم ز تست

هر چه هست از تو لیکن زینهار

تا نپنداری که هم آدم ز تست

این یکی مشت گل صاحب‌خرد

چو نکو بینی بسی اعظم ز تست

آدمی گر دیدگان برهم نهد

سربسر روی جهان مظلّم ز تست

(همان: 50)

تصاویر: آفتاب، گلشن، طارم، گیتی، نور، مریخ، ماه، مشتری، زحل، تیر، زهره، ابر، باد، مسیحا، سمور، قاقم، سرو، صنوبر، آهو، بلبل، کوه، هامون، بحر، خشکی، مشت گل.

در این شعر، شاعر آفتاب را توصیف می‌کند و شادی عالم و امید به زندگی را از وجود آفتاب می‌داند.



در بیت اول مصرع دوم (رشته جذب) اضافه تشبیهی/ این بیکران: کنایه از گیتی/ این در مصرع دوم کنایه از آسمان/ در
بیت دوم نور و ظلمت: تضاد/ بیت سوم سرخروی صفت مقلوب روی سرخ اضافه استعاری هست/ در مصرع دوم بین ماه و
ماه جناس تام است/ گردون کنایه از آسمان/ در بیت هفتم گوهر استعاره از باران/ در بیت هشتم قاقم استعاره از مه است/
در بیت دوازدهم مشت گل صاحبخرد: استعاره مرکب از انسان.

«شهاب»

ای شهاب ای اختر حیران که چون تابان شوی نا شده پیدا به دریای عدم پنهان شوی

این ظهور ناگهانی چیست وین عمر قصیر وین تبدلها که گه چون تیر و گه پیکان شوی

همچو نسرين برگ کش صرصر ز نسرين بگسلد دورمانی زلختران و در فضا حیران شوی

چیست قصد تو که بیرون تازی از قیرین حجاب چیست درد تو که هم در چشمه قطران شوی

رشحه آب حیاتی جسته از ظلمات چرخ باز برگردی و اندر چشمه حیوان شوی

تیغ الماسی غلاف آسمان جای تو تا چه پیش آید که ناگهان چنین عریان شوی

گاه چون برقی ولیکن برق بی رعد و سحاب گاه ریزان چون درخشان قطره باران شوی



آن ترانی گوی سوی موسی عمران شوی

پرتوی از نور یزدانی جهنده سوی طور

بس در از آهنگ و پیچان چون یکی ثعبان شوی

چون کف موسی درخشانی و هنگام مسیر

تا گدازان ناوکی در دیده شیطان شوی

نیست بالای سیاهی هیچ رنگی در مثل

داده ایزد مر ترا این سیر برق و شکل تیر

گاه جزئی زین شوی گاه جزئی ز آن شوی

چون ز پیش برج‌های آسمان بگذری

گه طناب دلو و گه رشته میزان شوی

گاه تیر قوس باشی گاه جوزا را سنان

زان قبل پیچنده چون زنجیر نوشروان شوی

زردست افشار پرویزی و بادآورده گنج

(همان: 87)



تصاویر موجود در شعر: شهاب، اختر، تیر، پیکان، نسرین، قیر، چشمه قطران، چشمه حیوان، تیغ الماس، غلاف آسمان، برق، رعد، طور، موسی عمران، کف موسی، ثعبان، شیطان، برج آسمان، قوس، جوزا، طناب دلو، رشته میزان، افشار، پرویزی، نوشروان.

اختر حیوان: اضافه استعاری/ دریای عدم: اضافه استعاری/ بیت دوم مصرع دوم تشبیه بلیغ است/ بیت سوم تشبیه دارد/ قیرین حجاب استعاره مکنیه از شب هست/ چشمه قطران اضافه تخصیصی است اما در این بیت اضافه تشبیهی است و شهاب را به چشمه قطران (چشمه صوفیان که در شهر تبریز است) مانند کرده/ چرخ: کنایه از آسمان/ تیغ الماس اضافه تشبیهی / غلاف آسمان اضافه استعاری/ در بیت هفتم در هر دو مصرع تشبیه به کاررفته/ بیت هشتم تلمیح، تضمین و تشبیه دارد/ کف مجاز از دست موسی/ در بیت نهم مصرع اول ارسال مثل است/ بیت یازدهم تیر قوس و سنان جوزا و طناب دلو و رشته‌ی میزان اضافه تشبیهی هستند/ بیت دوازدهم تلمیح دارد و تشبیه/ گنج بادآورده: کنایه از مفت و رایگان به دست آوردن.

این یک شعر عرفانی است که با به‌کارگیری تصاویری که بالا نام‌برده شد امامان و پیامبران و خداوند را توصیف می‌کند.

3-5. عناصر مرتبط با گیاهان

شاعر از تصاویر مرتبط با گیاهان و عناصری که با گیاهان در ارتباط هستند تقریباً به تعداد زیادی استفاده کرده است؛ مانند اشجار، برگ، شاخ، چمن، سبزه، جنگل، دانه و... از این تصاویر برای توصیف درختان، توصیف معشوق، غنیمت شمردن فرصت‌ها، توصیف آسمان و... استفاده کرده است.

سایه‌اش تاج سر حله‌نشینان چمن

قامتش همچو یکی خیمه بگسسته رسن

شاخ او چون قد خمیده پیران کهن

برگ او چون پر نورسته طوطی جوان

(همان:4)



شاعر با به‌کارگیری تصاویری همچون خیمه، رسن، چمن، برگ، شاخ، پیران... یک درخت را توصیف کرده که قامت آن همچون خیمه‌ای است که رسن‌های آن از هم‌گسسته شده‌اند و سایه‌اش همچون تاجی است برای چمن‌ها و برگ‌های آن همچون پر طوطی است و شاخه‌های آن همچون قد یک شخص پیر خمیده است. همان‌طور که مشاهده می‌کنیم در این شعر سراسر تشبیه وجود دارد.

کارگاه حریر را ماند

سبزه از نقش سایه و روشن

هر زمان سیم و زر افشاند

که بر او ماهرویی از دامن

(همان: 6)

سایه و قدم‌های ماهرو که استعاره از معشوق زیبا است را بر روی سبزه توصیف می‌کند. تصاویر موجود در این شعر سبزه، سیاه، روشن، کارگاه حریر، ماهرو و سیم و زر هستند. تشبیه موجود در این شعر تشبیه مؤکد است زیرا ادات تشبیه در آن حذف‌شده است و همان‌طور که گفتیم ماهرو استعاره است از معشوق و یار زیبا.

هر خفته افسرده برآورد سر از خاک

هنگام طرب شد چمن گشت طربناک

وز اختر بشکفته شود باغ چو افلاک

وقت است که از بوی شود راغ چو جنات

در باغ که آراسته چندین بت چالاک

گر آزر و مانی نشود این باد بهاری



هر توده خاک که از هم بگشایی

یک صفحه از تتگ کند جلوه زخاشاک

(همان: 13)

شاعر در اینجا با بهکارگیری تصاویری مثل چمن، خاک، راغ، جنات، اختر، باغ، افلاک، آزر، مانی، بهار، بت، خاشاک درواقع غنیمت شمردن فرصت‌ها را بیان می‌کند. بهکارگیری واژه چمن از تصاویری است که مرتبط است با گیاهان. / سر از خاک بیرون آوردن کنایه است از سبز شدن/ خفته افسرده استعاره مکنیه از دانه است که دانه نیز تصویری است مرتبط با گیاهان.

در خیابان چنارهای بلند

سققی آراسته ز سبز پرند

سایه‌ی او فتاده از آن شاخ

در لطافت چو فکر دانشمند

شاخ پنداشتی که از رفعت

کرده با چرخ آبگون پیوند

ماه از رخنه‌های برگ درخت

بر زمین سیب ناب می‌افکند

باد ناگه به او نهیب زد:

که بس! از ناز و خنده لب ببرند

(همان: 22)

در اینجا درخت چنار و شاخ و برگ‌های آن در آسمان را توصیف می‌کند؛ که در خیابان‌ها درخت‌های چناری است که شاخ و برگ‌های آن در آسمان نمایان هستند و انگار با آسمان پیوند زده‌شده‌اند و سایه‌ی آسمان از لابه‌لای شاخ و برگ‌های چنار بر زمین افتاده است و بادی که می‌وزد بر این ناز و خنده‌ی درخت نهیب می‌زند.



تصاویر: خیابان، چنار، پرنده، دانشمند، شاخ، چرخ آبگون، ماه، برگ، درخت، زمین، باد، سیم ناب. / در بیت اول تشبیه وجود دارد. سبز پرنده صفت مقلوب است و کنایه از آسمان/ بیت دوم نیز تشبیه دارد / چرخ آبگون کنایه است از آسمان/ سیم ناب استعاره از ذره‌های نور است/ در بیت چهارم تشخیص وجود دارد.

5-4. تصاویر مرتبط با حیوانات

یاسمی تقریباً به تعداد اندکی از تصاویر حیوانات و پرندگان در اشعار خود استفاده کرده. تصاویری چون: خر، بلبل، مگس، مرغ، خروس، طیور، گربه و... از این تصاویر برای دوری از بحث کردن با افراد جاهل و نادان، سعی و تلاش برای رسیدن به هدف، وصف یار زیبارو، اهمیت خلوت و تنهایی و... استفاده کرده است.

خر و بلبل

مرا امروز مهمان کن به آواز

خری با بلبلی گفت ای هوس‌باز

خر او را گفت اینجا نکته‌ای هست

چو بلبل از سرودن لب فروبست

ز الحان تو بعضی بی‌نمک نیست

توان گفتن که آوازت بدک نیست

خروسان ده ما را بدیدی

ولیکن کاش زحمت می‌کشیدی

همی‌آویختی لن دل‌آویز

ز استادان خوش‌آواز سحرخیز



به تعلیم خروسان می‌شدی گم

هر آن نقصی که داری در ترنم

چو بلبل گوش کرد این داوری را

مجسم دید در قاضی خری را

(همان: 170)

در اینجا شاهد یک شعر تمثیلی هستیم و شاعر با به‌کارگیری تصاویر حیوانات در واقع بحث و صحبت نکردن با افراد نادان را به ما توصیه می‌کند.

تصاویر: خر، بلبل، خروس، قاضی.

ز کرم پيله یکی پند گیر کز کوشش

بچرخ برشود از بند رشته‌های دراز

تو نیز هیچ تن‌آسان نشو که سعی و امید

دو شهپر است آسان کند تو را پرواز

(همان: 127)

در این شعر، رشید یاسمی با به‌کارگیری کرم ابریشم به ما یادآور می‌شود که برای رسیدن به موفقیت باید سعی و تلاش و کوشش کرد و برای این امر کرم ابریم را مثال زده است.

تصاویر: کرم ابریشم، چرخ، شهپر/ بیت دوم تشبیه دارد.

کبوتری که هوای تو کرد و دام تو دید

به‌هیچ‌روی دگر دل بر آشیان ننهاد

کمان‌ابروی تو از پی هلاک رشید

کدام تیر که در چله کمان ننهاد



(همان: 101)

این شعر در وصف معشوق است و با شعر مرنجان دلم را که این مرغ وحشی غرابت معنایی دارد. شاعر خود را کبوتری پنداشته است که در دام معشوق افتاده و راه رهایی از آن را ندارد. / کمان ابرو اضافه تشبیهی است و تیر استعاره از کار و تلاش است.

خوشا خموشی و آرامشی که بانگ نفس تبه نگردد از آشوب پروبال مگس

بهجز خیال نباشد کسی معاشر دل به غیر خود نبود زحمتی ز بودن کس

چو شهسوار خیال از حصار بیرون تاخت بهر کجا که نهد گام کس نگوید پس

شگفت مرغی و نادر پرنده ایست خیال که خوبتر پرد ار بسته‌تر کنیش قفس

(همان: 19)

شاعر در این ابیات با به کار بردن تصاویر پرندگان به خلوت و تنهایی اشاره می‌کند. تصاویر: مگس، قفس، شهسوار، حصار، مرغ/ شهسوار خیال اضافه تشبیهی است و بال مگس تخصیصی است.

آشنایان بیمناک خجول کز نوای طیور بگریزند

دور گردند و چون فرشته و غول با سیاهی شب درآمیزند

(همان: 6)



تصاویر: فرشته، غول، شب، طیور

در مصرع سوم تشبیه وجود دارد./ سیاهی شب اضافه تخصیصی است.

این قدر دان که کز پنجره چون آیم باز چای من سرد و تبه گشته به ساعات دراز

نان من گریه ربوده است و پنیرم هوشنگ بهر من مانده دهانی چو لب پنجره باز

(همان: 5)

شاعر با این تشبیه زیبا گذر و تلف شدن زمان و عمر را بیان می‌کند که با وقت تلف کردن خیلی از فرصت‌های زندگی را از دست می‌دهیم.

تصاویر: پنجره، گریه، هوشنگ، نان، پنیر

در مصرع چهارم تشبیه هست/ دهان بازماندن کنایه از شگفت‌زده بودن و متعجب بودن و از نوع فعل است.

5-5. عناصر مربوط به میوه‌ها

این عناصر به نسبت بقیه عناصر موجود، بسیار کمتر در اشعار رشید یاسمی دیده می‌شود. تصاویری هستند مثل رطب، خرما و ...

باغبان گفت: مرا بال و پرت نیست بکار من نخواهم ز تو جز بیشی و خوبی عنب

ور گذارمت بدین حال که رانی پروبال چون بریزد ز تو این برگنه ای غیر حطب



آزمود دستم تا سرت نبرم نشود

خوشه‌های تو به خوشی و حلاوت چو رطب

گر طبیعت ز تو خواهد بيفرازی یال

من ز تو نغز ثمر خواهم نی زفت خشب

(همان: 42)

تصاویر: عنب، حطب، رطب، خشب.

اینجا مقصود شیرینی رطب بوده و حال و حلاوت و خوشی را به رطب شیرین تشبیه کرده است.

5-6. تصاویر مرتبط با اشیاء

یاسمی از این تصاویر نیز به‌ندرت استفاده کرده است؛ مانند میز، دوات، پنجره، آیینه، پرده، کتاب، چوب و...

بر روی میز من منشین بسته‌ای دوات

کز چون تویی نزیبدان صبر و این ثبات

در حیرتم ز تو که نجوشی ز جای خویش

ای چشمه حرارت و ای معدن حیات

بگشای لب که در تو بود راز روزگار

بردار سر که در تو بود سر کائنات

معنی ز تو درآید در خوابگاه لفظ

ذات از تو رخ ببوشد در پرده صفات

(همان: 15)

اینجا شاعر با دوات که می‌تواند از عناصر اشیاء باشد سخن می‌گوید. میز، دوات، پرده این‌ها همه اشیاء هستند. شاعر از دوات می‌خواهد که برای شعر و سخن گفتن لب بگشاید.



در بیت اول نشستن دوات بر روی میز تشخیص است/ چشمه حرارت و معدن حیات اضافه استعاره هستند/ خوابگاه لفظ نیز اضافه استعاره است/ بگشای لب تشخیص هست.

فلک چون کتاب است و این خط نور الف چون زرینه اندر کتاب

سر کوه چون روزگار مشیب دل دشت چون آرزوی شباب

فرورفته هر برکه در سایه‌ای چو خندان عروسی به دیبای ناب

(همان: 21)

تصاویر: فلک، کتاب، خط، چوب زرین، کوه، عروس، دیبا، جدول، دشت.

تابش نور آفتاب و آسمان را به کتاب و چوب زرین و عروسی در دیبای ناب تشبیه کرده است. در هر سه بیت تشبیه وجود دارد./ تصاویر کتاب، چوب، دیبا اشیاء هستند.

رشید یاسمی به‌خوبی از همه این تصاویر ذکرشده در اشعار خود استفاده کرده است. شاعر از تصاویر دیگری چون: جهان هستی، باد، خانه، مجنون، غول، پهلوان، خوابگاه، اسکندر، خیابان، دره، طوبی، کوثر، تقویم، گور، آتش، شراب، افیون و... که در اشعار ذکرشده هم دیدیم به‌ندرت استفاده کرده است که به دلیل تعداد اندک آن‌ها در دسته‌بندی‌ها جای گذاری نشده‌اند.

نتیجه‌گیری

از ویژگی‌های شعر رشیدیاسمی، علاوه بر سادگی و روانی و برخورداری از احساسات ظریف و تخیلات عمیق، تصویرسازی‌های او با پدیده‌های محیطی و عینی است؛ به صورتی که شاعر، درک و دریافت‌های شاعرانه‌اش را از جهان به مخاطب نشان می‌دهد و با قدرت تخیل، در مفاهیم و امور عادی زندگی متصرف می‌کند. نگاه دقیق و موشکافانه او به



محیط و پدیده‌های اطراف و عناصر طبیعت سرشار از زیبایی‌های خود، یکی از ویژگی‌های بارز شعر یاسمی به حساب می‌آید به طوری که با مطالعه دیوان اشعار رشید، مخاطب، خود را در محیطی پر از آب و آبخار و سبزه و کوه و آسمان آبی و مناظر دلربای طبیعی احساس می‌کند که یادآور محیط محل زندگی شاعر است. خلاقیت یاسمی در بهره‌گیری از عناصر طبیعت برای به تصویر کشیدن اندیشه‌ها و عواطف درونی خود، شعر او را به عرصه خودنمایی و جلوه‌گری پدیده‌هایی مبدل ساخته است که همچون موجوداتی جاندار و صاحب روح و احساس در ابراز درونیات شاعر به او مدد رسانده‌اند. یاسمی در پردازش و ترسیم عواطف و اندیشه‌های خود و نیز با توجه به ویژگی‌ها و احوال درونی خویش و در راستای سبک خاصی که در پردازش اطلاعات ادبی خود به کار می‌برد، از ابزار مخیل ساختن کلام، برجسته‌سازی را در آثار خود با به‌کارگیری تصاویر گوناگون از عناصر طبیعت پیرامون زندگی خود آفریند و مانند هر هنرمند دیگری، دانسته یا دانسته شگردهای هنجار گریزی را به کار می‌گیرد.

اشعار رشید یاسمی لبریز از تشبیه، تشخیص و استعاره‌اند؛ در برخی اشعار او از نظر نوع قافیه‌بندی شاهد متأثر بودن او از اشعار فرنگی هستیم. مهم‌ترین حوزه تصویرسازی شعر رشید یاسمی حوزه مربوط به آب و ملزومات آن و حوزه مربوط به آسمان و ملزومات آن هستند مانند آب، دریا، ساحل، چشمه، شهاب، ابر، آفتاب، آبخار، ستاره، کیوان، ناهید، ماه و ... عنصرهای سازنده این حوزه‌ها بیشتر تشبیه، استعاره، تشخیص و کنایه‌اند. از عناصر دیگر چون میوه‌ها، اشیاء، حیوانات و ... مانند سیب، رطب، کتاب، تقویم، پرده، شراب، افیون، فرشته و ... به‌ندرت استفاده شده است.

می‌توان گفت که یاسمی، شاعری ست که عاشق طبیعت و عناصر مرتبط با آن است و در تشبیهات شعری خود بسیار از طبیعت و ملزومات آن استفاده کرده است. بیشتر اشعار او نیز در وصف طبیعت و ملزومات و عناصر مرتبط با طبیعت هستند که علاوه بر این که بیانگر همزیستی شاعر با طبیعت و عناصر طبیعی است، شعر او همانند سرزمینی است که همانند محیط و محل زندگی او سرزمینی پر از عناصر طبیعی زیبا را به تصویر می‌کشد.

منابع

احمد سلطانی، منیژه (1370)، قصیده فنی و تصویر آفرینی خاقانی شروانی، چ 1، تهران: کیهان.



- امیدعلی، حجت‌الله و دهرامی، مهدی (1396)، « وجوه زیبایی‌شناختی تصویر و هماهنگی آن با عاطفه و اندیشه در شعر نصرت رحمانی»، *علوم ادبی*، دوره 7، شماره 11، صص 29-51.
- آرین پور، یحیی (1379). *از صبا تا نیما*، (جلد 1). تهران: زوار.
- براهنی، رضا (1371)، *طلا در مس*، چ 3، تهران: کتاب زمان.
- داد، سیما (1382)، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، چ 1، تهران: مروارید.
- دلبری، حسن و مهری، فریبا (1394)، «سطوح بلاغی خیال در تصاویر شعر معاصر»، *فنون ادبی*، سال هفتم، ش 1، پیاپی 12، بهار و تابستان، صص 73-96.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (1364)، *شعر بی‌نقاب*، شعر بی‌فروغ، چ 1، تهران: محمدعلی علمی.
- سالمیان، غلامرضا و سلیمانی، خاطره (1394)، « تحلیل بلاغی مجموعه اشعار محمدعلی بهمنی برمبنای مؤلفه‌های هنجار گریزی معنایی»، *بلاغت کاربردی و نقد ادبی*، دوره 1، شماره 2، صص 24-40.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (1359)، *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت*، چ 1، تهران: توس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (1375)، *صور خیال در شعر فارسی*، چ 6، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (1376)، *سبک‌شناسی شعر*، چ 3، تهران: فردوس.
- صفوی، کورش (1373)، *از زبان‌شناسی به ادبیات (نظم)*، تهران: چشمه.
- صفوی، کورش (1393)، *آشنایی با نشانه‌شناسی ادبیات*، تهران: علمی.
- طهماسبی، فرهاد و صارمی، زهره (1393)، « بررسی تصویر و معرفی انواع آن در شعر احمد شاملو»، *پژوهش‌های ادبی*، شماره 44، صص 107-136.
- فتوحی رودمجنی، محمود (1386)، *بلاغت تصویر*، چ 1، تهران: سخن.
- فرای، نورتروپ (1363)، *تخیل فرهیخته*، ترجمه؛ سعید ارباب شیرانی، تهران: مرکز.



فرشید ورد، خسرو (1373)، *درباره ادبیات و نقد ادبی*، چ 1، تهران: امیرکبیر.

کمال، ابوالدیب (1394)، *صور خیال در نظریه جرجانی*؛ ترجمه فرزانه سجودی و فرهاد ساسانی، چ 1، تهران: علم.

میر صادقی، میمنت (1373)، *واژه‌نامه هنر شاعری*، تهران: کتاب مهناز.

همتیان، محبوبه و غفوری، افسانه (1398)، «تحلیل بلاغی حوزه‌های تصویری شعر فاضل نظری»، *فنون ادبی*، سال یازدهم، شماره 4 (پیاپی 29)، زمستان، صص 51-64.

ولک، رنه (1375)، *تاریخ نقد جدید*؛ ترجمه سعید ارباب شیرانی، ج 1، چ 1، تهران: نیلوفر.

یاسمی، رشید، (1362). *دیوان رشید یاسمی*. تهران: امیرکبیر.

Resources

Ahmad Soltani, Manijeh (1991), *Technical Poetry and Illustration by Khaghani Shervani*, Ch 1, Tehran: Kayhan.

Omid Ali, Hojjatollah and Dahrami, Mehdi (2017), "Aesthetic aspects of the image and its harmony with emotion and thought in the poetry of Nusrat Rahmani", *Literary Sciences*, Volume 7, Number 11, pp. 29-51.

Arianpour, Yahya (1379). *From Saba to Nima*, (Volume 1). Tehran: Zavar.

Braheni, Reza (1992), *Gold in Copper*, Ch 3, Tehran: Book of Time.

Dad, Sima (2003), *Dictionary of Literary Terms*, Ch 1, Tehran: Morvarid.



Delbari, Hassan and Mehri, Fariba (2015), "Rhetorical levels of imagination in the images of contemporary poetry", *Literary Techniques*, seventh year, vol. 1, consecutive 12, spring and summer, pp. 96-73.

Zarrinkoob, Abdolhossein (1985), *Poetry without a mask, Poetry without perfume*, Ch 1, Tehran: Mohammad Ali Elmi.

Salmian, Gholamreza and Soleimani, Khatereh (2015), "Rhetorical analysis of Mohammad Ali Bahmani's collection of poems based on semantic aberration components", *Applied Rhetoric and Literary Criticism*, Volume 1, Number 2, pp. 24-40.

Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (1980), *Persian Poetry Periods from Constitutionalism to the Fall of the Monarchy*, Ch 1, Tehran: Toos.

Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (1996), *Images of Imagination in Persian Poetry*, Vol. 6, Tehran: Agah.

Shamisa, Sirus (1997), *Poetry Stylistics*, Ch 3, Tehran: Ferdows.

Safavid, Kourosh (1994), *From Linguistics to Literature (Order)*, Tehran: Cheshmeh.

Safavi, Kourosh (2014), *Introduction to Literary Semiotics*, Tehran: Scientific.

Tahmasebi, Farhad and Saremi, Zohreh (2014), "Study of the image and introduction of its types in Ahmad Shamlou's poetry", *Literary Research*, No. 44, pp. 107-136.

Fotoohi Rudmajani, Mahmoud (2007), *Picture Rhetoric*, Ch 1, Tehran: Sokhan.

Fry, Northrop (1363), *Educated Imagination*, translation; Saeed Arbab Shirani, Tehran: Center.



Farshid Word, Khosrow (1994), On Literature and Literary Criticism, Ch 1, Tehran: Amirkabir.

Kamal, Abu Adib (2015), Images of Imagination in Jorjani Theory; Translated by Farzan Sojudi and Farhad Sasani, Ch 1, Tehran: Alam.

Mir Sadeghi, Meymant (1994), Dictionary of Poetic Art, Tehran: Mahnaz Book.

Hemtian, Mahboubeh and Ghafouri, Afsaneh (2019), "Rhetorical analysis of the visual domains of Fazel Nazari poetry", Literary Techniques, Eleventh Year, No. 4 (29 consecutive), Winter, pp. 51-64.

Volk, René (1996), History of New Criticism; Translated by Saeed Arbab Shirani, vol. 1, ch. 1, Tehran: Niloufar.

Yasemi, Rashid, (1983). Diwan Rashid Yasemi. Tehran: Amirkabir.